



درس فراج فقه استاد حاج سید مجتبی نورمفیدی

موضوع کلی: القول فیما يجب فيه الخمس - الخامس: ما یفضل عن مؤونه السنه
 موضوع جزئی: بررسی شبهات در مورد خمس ارباح مکاسب (شبهه اول و شبهه دوم)
 سال ششم
 تاریخ: 3 آذر 1394
 مصادف با: 12 صفر 1437
 جلسه: 31

«الحمد لله رب العالمین و صلی الله علی محمد وآله الطاهرین و اللعن علی اعدائهم اجمعین»

ادامه بررسی شبهه اول

بحث درباره شبهه اولی پیرامون اصل وجوب خمس در ارباح بود. عرض کردیم پاسخ‌هایی به این شبهه داده شده. دو جواب را جلسه گذشته بیان کردیم؛ چهار جواب دیگر هم در این مقام می‌توانیم به این شبهه و سؤال ذکر کنیم:

پاسخ سوم

جواب سوم از شبهه این است که بر فرض بپذیریم که نه پیامبر (ص) و نه ائمه (ع) و نه خلفا و نه امیرالمؤمنین (ع) کسی را برای اخذ خمس نفرستادند ولی عدم بعث برای اخذ خمس کاشف از عدم وجوب خمس نیست؛ زیرا بعد از آنکه به ادله قطعی یعنی هم کتاب و هم روایات مستفیضه بلکه متواتره وجوب خمس ارباح، ثابت شد دیگر عدم البعث یا عدم گزارش مبنی بر اخذ این خمس از مردم، دلیل بر عدم وجوب نیست.

به عبارت دیگر عدم بعث لازم اعم برای عدم وجوب است؛ چون ممکن است این خمس واجب باشد ولی کسی را برای اخذ آن نفرستاده باشند. بنابراین این بخش از کلام مستشکل که ما گزارشی مبنی بر بعث مأمور برای اخذ خمس نداریم، نمی‌تواند ثابت کند که پس این خمس واجب نبوده است.

پاسخ چهارم

این پاسخ در واقع نقضی است بر آن قسمت از شبهه که چون ما در کتب حدیث و تاریخ، ندیدیم اخذ خمس نقل شده باشد، پس واجب نیست. به عبارت دیگر، دلالت عدم نقل اخذ خمس در کتب تاریخی و حدیثی بر وجوب قابل نقض است. از جمله در مورد وجوب خمس در رکاز. چون این مسأله مورد اتفاق عامه است و آنها بر وجوب آن، اتفاق دارند و در کتابها و روایات آنها کثیراً مسأله وجوب خمس در رکاز و معادن نقل شده اما در هیچ یک از کتب تاریخی و حدیثی وارد نشده که پیامبر یا خلفای بعد از ایشان، کسی را برای جبايت این صنف از خمس فرستاده باشند حتی در یک مورد ما گزارشی نداریم که کسی از ناحیه پیامبر یا خلفا مأمور برای جمع آوری این نوع از خمس مردم شده باشد با اینکه وجوبش مورد اتفاق آنها هم هست. پس اگر گزارشی مبنی بر اخذ خمس در ارباح نرسیده، این گزارش در مورد بعضی از صنوف دیگر خمس هم نرسیده، چطور در آنجا استفاده عدم وجوب نمی‌شود، اینجا هم كذلك. این پاسخ‌ها هر کدام ناظر به یک بخش از کلام و بیان و سخن مستشکل است.

پاسخ پنجم

پاسخ پنجم این است که احتمال دارد این حکم در شریعت تشریح شده و در زمان پیامبر ثابت بوده و پیامبر هم به مردم ابلاغ کرده و حتی از مردم هم این خمس را اخذ می‌کرده (البته نه به گستردگی اخذ زکات که دستگاهی برای جبايت الزکاة

داشتند، ولی یحتمل این واجب در حدّ خودش مورد عمل واقع شده و پیامبر برای اخذ خمس مأمور می‌فرستادند) لکن به دلائل و دواعی مختلف سعی کردند این را مخفی نگه دارند؛ چون دواعی بر اختفاء این حکم و عدم نقلش زیاد است. مهمترین داعی همان است که ما در پاسخ اول اشاره کردیم. اینکه خمس یک حق مالی است که خداوند تبارک و تعالی در اموال مردم قرار داده و اختیار آن را در دست ذوی القربی و اهل بیت پیامبر یا نواب آنها گذاشته و برای همین حکام جور اهتمام به اخفاء این مسأله داشتند برای اینکه جلوی ایصال این اموال را به ائمه بگیرند و هیچ بعید نیست این اتفاق افتاده باشد. البته ما نمی‌گوییم اینگونه بوده، اما اینکه در بیان شبهه ذکر شده بود حکومات و حکام جور داعی برای اخفاء این واجب نداشتند چون این یک منبع مالی بود که می‌توانستند به واسطه آن، قدرت و استیلاء خود را بیشتر کنند، ما در مقابل ادعا می‌کنیم که بله! این منبع مالی از آنجا که مصرف و مورد خاص داشت، قهراً اگر مورد عمل واقع می‌شد معلوم نبود در اختیار آنها قرار بگیرد و این تبدیل می‌شد به یک وضعیتی که خوشایند آنها نبود. پس اینکه در بیان اشکال گفته شد حکام جور داعی برای اخفاء این واجب نداشتند، ما ادعایمان این است که اینگونه نیست؛ اتفاقاً دواعی مختلفی برای اخفاء این مسئله می‌توانست وجود داشته باشد که ما مهمترین آنها را عرض کردیم. اگر این دواعی برای اخفاء وجود داشته، پس احتمال دارد به همین جهت به طور کلی مانع شدند گزارشی از آنچه که در زمان رسول خدا و بعدش اتفاق افتاده نقل شود.

پاسخ ششم

(ما تأکید نداریم بر پاسخ پنجم و ششم که یقیناً اینگونه بوده. بلکه در مقابل ادعای مستشکل داریم یک احتمال دیگری را مطرح می‌کنیم.) در کلام مستشکل یا در بیان شبهه این نکته ذکر شده بود که این حکم عند العامه متروک و مهجور است و هیچ کدام از آنها به این فتوا ندادند، لذا این را به عنوان یک اشکال بر وجوب خمس یا حداقل مؤید برای اصل ادعای خودشان ذکر کرده‌اند.

ما در مقابل عرض می‌کنیم این مسئله هیچ ضرری به اصل وجوب خمس در این صنف نمی‌زند. چون مواردی وجود دارد که عند العامه مهجور واقع شده و فتوا هم به آن نداده‌اند. عمده ترین آن‌ها همین مسئله عام البلوای وضو و نماز است. کیفیت نماز ما و کیفیت صلاة ما کاملاً از جهاتی متفاوت است. در هیچ کتابی از کتب تاریخی و روایی آنها نقل نشده که پیامبر اینگونه وضو می‌گرفت (اینگونه که ما وضو می‌گیریم). هیچ کدام از آنها فتوا نداده‌اند به کیفیت وضو بر طبق آنچه ما می‌گوییم. پس این کیفیت از وضو هم مهجور عند العامه است و احدی از عامه بر طبق آن فتوا نداده اما آیا این مشکلی ایجاد می‌کند؟ در مورد صلاة هم همینگونه است. پس صرف محجوریت عند العامه و عدم افتاء توسط فقهای عامه موجب اشکال در حکم نمی‌شود. در مانحن فیه هم هرچند عامه فتوا نداده‌اند و در کتب روایی‌شان هم آن را نقل نکرده‌اند، ولی این مشکلی ایجاد نمی‌کند. این موجب تأیید شبهه مبنی بر عدم وجوب خمس و ردّ خمس ارباح نیست.

البته ممکن است کسی در این پاسخ اشکال کند و بگوید بین ما نحن فیه و مسئله وضو و نماز فرق است چون درست است در کتب روایی آنها و کتب فتوایی آنها وضو و نماز به کیفیتی که ما عقیده داریم نقل نشده اما حداقل در کتب خودمان گزارش از وضو به این نحو و نماز به این کیفیت وارد شده در حالی که در باب خمس حتی کتب ما هم گزارشی درباره عمل به این خمس نقل نکرده‌اند. چون این روایات از زمان امام باقر و امام صادق، تقریباً مطرح شد.

به هر حال ممکن است که کسی به این نحو به پاسخ ششم اشکال کند که بین مانحن فیه و مسئله نماز و روزه فرق است. حالا این خیلی تأثیری در کلیت بحث ما ندارد و کیف کان فتحصل مما ذکرنا کله که شبهه اولی، مردود است.

شبهه دوم

شبهه دوم که این هم به نوعی مربوط به اصل وجوب خمس است به خصوص در خمس ارباح، این است که مقتضای ادله وجوب خمس به خصوص روایاتی که در مقام اثبات اصل وجوب خمس ارباح ذکر شد، این است که این خمس یک تکلیف فعلی است که شیعه موظف به ادای آن است و خود ائمه (ع) آن را از شیعیانشان مطالبه می‌کردند یا مباشرةً یا به واسطه الوکلاء؛ چون در مناطق مختلف وکلایی داشتند که خمس را از مردم اخذ می‌کردند پس با اینکه این اخبار و روایات ظهور دارند در فعلیت این واجب و تکلیف و لزوم عمل به آن و وجوب اداء، اما در مقابل، روایات زیادی به نام اخبار تحلیل داریم که مقتضای آنها (با همه اختلافی که بین خود اخبار تحلیل است چندین طائفه و دسته‌اند) این است که فی الجملة خمس بر کسانی که خمس به گردنشان است، حلال شده است و اعم از اینکه تملیک شده باشد یا اباحه، که ما فعلاً به آن کاری نداریم. عمده این است که به حسب ظاهر اخبار تحلیل، ادای خمس واجب نیست و آن تکلیف فعلی از دوش شیعه برداشته شده است. لذا به نظر می‌آید که در اینجا یک مشکله جدی وجود دارد. اگر از این طرف بعضی از اخبار دلالت بر وجوب خمس و به ویژه خمس ارباح می‌کنند و ما به استناد آن باید خمس بپردازیم اما در مقابل، روایات زیادی هم دال بر تحلیل خمس به شیعیان است؛ مثل: «أَبْحَا لَشِيعَتِنَا»؛ اینکه ما برای آنها حلال کردیم، چگونه می‌شود این مسئله را حل کرد؟ آیا این دو طائفه قابل جمع اند یا نه؟

این بحث قبلاً مورد بررسی قرار گرفته است. این اخبار همانطور که قبلاً گفتیم چندین طائفه‌اند یعنی سیاق و لسان این اخبار، واحد نیست. پنج یا شش طائفه از این اخبار را ذکر کردیم. مثلاً بعضی از این اخبار دلالت بر تحلیل مناکح و جواری دارند یعنی خمس جاریه‌ها بخشیده شده است. بعضی دلالت بر این دارند که این خمس در شرایط اعواز و گرفتاری و سختی تحلیل شده است. بعضی دلالت بر این می‌کنند که در عصر غیبت ما این را برای شیعیانمان حلال کردیم. ما همه این روایات را تفصیلاً در سال اول بحث خمس مورد بحث و بررسی قرار دادیم و وجوه جمعی که برای این روایات ذکر شده بود، را بیان کردیم.

پاسخ

پاسخ این شبهه قبلاً داده شده و ما نمی‌خواهیم مبسوطاً وارد آن بحث‌ها شویم. ولی من خلاصه‌ای از این بحث را عرض می‌کنم.

برای جمع بین این دو دسته از اخبار یعنی اخباری که دال بر ثبوت خمس است در ارباح و اخبار تحلیل، راه‌هایی ذکر شده که می‌توانیم آنها را در دو عنوان کلی جمع کنیم:

یکی اینکه اخبار تحلیل را حمل بر زمان خاص کنیم.

دیگر اینکه اخبار تحلیل را حمل بر موضوع خاص کنیم.

به طور کلی حدود ده وجه جمع در گذشته بیان کردیم که فهرستش را امروز عرض می‌کنیم:

- ۱- بعضی ادعا کردند اخبار تحلیل مختص به فیه و انفال است. این مختار سلار در مراسم است.^۱
 - ۲- بعضی گفته‌اند اخبار تحلیل ناظر به مناکح و جواری است نه همه اموال. این مختار شیخ مفید بود.^۲
 - ۳- بعضی معتقدند اخبار تحلیل مختص به عصر معصومین است اما سایر اعصار این چنین نیست. بعضی نیز گفته‌اند تحلیل مختص به عصر امیرالمؤمنین بوده است.
 - ۴- بعضی ادعا کرده‌اند اخبار تحلیل ناظر به سهم امام است نه سهم سادات، این را صاحب حدائق فرموده و به صاحب مدارک هم نسبت داده است.^۳
 - ۵- اخبار تحلیل ناظر به خمس ارباح است فقط اما سایر انواع خمس به قوت خودش باقی است، صاحب معالم این نظر را داشت.^۴
 - ۶- اخبار تحلیل ناظر به مال خارجی یا جاریه خارجی است. یعنی اموال و جواری که از خروج کنندگان و خارجی‌ها به مسلمین می‌رسد، آن هم برای اینکه مال و ولد آنها پاک شود.
 - ۷- منظور از اخبار تحلیل، تحلیل نسبت به آن چیزی است که در مؤونه صرف می‌شود، در مؤونه خود شخص و عیالش. لذا این اخبار را به عنوان دلیل استثناء مؤونه گرفته‌اند.
 - ۸- بعضی معتقدند تحلیل مختص به کسی است که امکان ایصال این واجب را به امام ندارد اما اگر کسی می‌تواند باید آن را به امام برساند.
 - ۹- مشهور بین متأخرین این است که تحلیل مختص است به مالی که از غیر شیعه به شیعه منتقل می‌شود از کسانی که اعتقادی به خمس ندارند یعنی در این اموال خمس لازم نیست.
 - ۱۰- اختصاص تحلیل به مالی است که از غیر منتقل می‌شود به شیعه در حالی که آن غیر، خمس مالش را نداده اعم از اینکه شیعه باشد یا غیر شیعه. این وجه مختار ما بود و همان وجهی است که محقق خوبی اختیار فرمودند و تفاوتش با نظر مشهور هم توسعه‌ای است که در این قسمت داده‌اند.
- علی ای حال اگر کسی به یکی از این توجیها ده‌گانه ملتزم شود، هر چند به نظر ما حق همین توجیه اخیر است اما به هر حال التزام باحدی هذه الوجوه اساس شبهه را از بین می‌برد. بنابراین متعین در این مقام عمل بر طبق اخبار مستفیضه بلکه متواتره است که دلالت بر وجوب خمس در ارباح و بلکه همه انواع مذکور در ادله می‌کنند و یؤید ذلک مطالبه الائمه و نصب الوكلا لأخذ الخمس كما نقله کُتُبُ التاریخ. «هذا تمام الکلام فی المقام الاول»
- بحث جلسه آینده:** اما المقام الثانی ان شاء الله در جلسه آینده آن را مورد بحث و بررسی خواهیم داد.

«الحمد لله رب العالمین»

۱. الجوامع الفقهیه، کتاب المراسم، ص ۶۴۴.

۲. مقنعه، ص ۴۶.

۳. الحدائق الناظرة، ج ۱۲، ص ۴۴۷ و ۴۴۸. مدارک الأحکام، ص ۳۴۵.

۴. منتقى الجمان، ج ۲، ص ۴۴۳ و ۴۴۴.